

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليك يا حسن بن علي ايها المجتبي يابن رسول الله ورحمة الله وبركاته

داستانهایی از کرامات امام مجتبی (ع)

۱- شفاي وصال با عنایت امام حسن علیه السلام

میرزا محمد شفیع شیرازی متخلص به وصال شیرازی متوفی سال ۱۲۶۲ ه. ق در شیراز از بزرگان شعرا و ادبا و عرفای عصر فتحعلی شاه قاجار بود. علاوه بر مراتب علمی، به تمام خطوط هفت گانه (نسخ، نستعلیق، ثلث، رفاع، ریحان، تعلیق و شکسته) مهارتی به سزا داشته و کتابهای فراوانی نیز با خطوط مختلف نگاشته است. از جمله، اینکه ۶۷ قرآن به خط زیبای خود نوشته است. بر اثر نوشتن زیاد چشمش آب می آورد و به پزشک مراجعه می کند، دکتر می گوید: من چشمت را درمان می کنم، به شرطی که دیگر با او نخوانی و خط ننویسی. پس از معالجه و بهبودی چشم، دوباره شروع به خواندن و نوشتن می کند تا اینکه به کلی نابینا می شود. سرانجام با حالت اضطرار متوسل به محمد صلی الله علیه و آله و آل او می شود. شبی در عالم رؤیا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب می بیند، حضرت به او می فرماید: چرا در مصائب حسین مرتبه نمی گویی تا خدای متعال چشمت را شفا دهد. در همان حال حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حاضر گردیده، می فرماید: وصال! اگر شعر مصیبت گفتی، اول از حسنم شروع کن؛ زیرا او خیلی مظلوم است.

صبح آن روز وصال شروع کرد دور خانه قدم زدن و دست به دیوار گرفتن و این شعر را سرودن:

از تاب رفت و طشت طلب کرد و ناله کرد

آن طشت را ز خون جگر باغ لاله کرد

نیمه دوم شعر را که گفت، ناگهان چشمانش روشن و بینا شد. آن گاه اضافه کرد:

خونی که خورد در همه عمر، از گلو بریخت

دل را تپی زخون دل چند ساله کرد

زینب کشید معجز و آه از جگر کشید

کلثوم زد به سینه و از درد ناله کرد

(شیخ علی میرخلف زاده، ص ۲۷۳ - ۲۷۲؛ ر. ک: گلشن وصال؛ کنگرول شمس)

۲- گزارش حضرت از کیفیت شهادت خود

طبق روایات فراوان، ائمه اطهار علیهم السلام از علوم غیبی به اذن الهی آگاهی دارند (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۹) و امام حسن علیه السلام نیز از چنین علمی برخوردار بود، از جمله: اطلاع دادن آن حضرت از کیفیت شهادت و ماجرای بعد از آن است که فرمود: «انا اموت بالسم كما مات رسول الله صلى الله عليه و آله: قالوا: ومن يفعل ذلك بك؟ قال امراتي جعدة بنت الاشعث بن قيس فان معاوية يدس اليها ويامرها بذلك؛ ... (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۲۴، مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۱۴) من چون رسول خدا به وسیله زهر از دنیا می روم. گفتند: چه کسی تو را مسموم می کند؟ فرمود: همسرم جعدة، دختر اشعث بن قیس؛ زیرا معاویه با نیرنگ او را فریب می دهد و او را به آن امر می کند.» به آن حضرت پیشنهاد دادند که او را از خانه ات بیرون کن. فرمود: چنین کاری انجام نمی دهم، به چند جهت:

۱. در علم خداوند مقدر است که او قاتل من است [و از قضا و قدر حتی الهی نمی توان فرار کرد]؛

۲. هنوز جرمی مرتکب نشده است که من او را به عنوان مجازات اخراج کنم؛

۳. اخراج او بهانه می شود برای حملات و تهمت‌های ناجوانمردانه دشمنان علیه من.»

از همه اینها گذشته، امام وظیفه دارد علم اختصاصی خود را نادیده گرفته، با دیگران همانند افراد عادی رفتار نماید.

و همین طور امام حسن مجتبی علیه السلام به برادرش امام حسین علیه السلام وصیت کرد که بعد از شهادتش پیکر او را جهت دیدار به روضه مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ببرند... و از جمله، فرمود: «واعلم انه سيصيبي من عائشة مايعلم الله والناس من بغضها وعداوتها لله ولرسوله وعداوتها لنا اهل البيت؛ بدان که به زودی از عایشه بر من ظلمهایی می رسد که خدا و مردم از کینه و بغض او نسبت به خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و ما اهل بیت آگاهی دارند.»

بعد از مدتی هم پیش بینی اول به وقوع پیوست که جعدة با تحریک معاویه حضرت را مسموم کرد و هم خبر دوم تحقق یافت که عایشه نسبت به جنازه آن حضرت اهانت کرد و طبق برخی نقلها جنازه را تیر باران نمودند، و هفتاد چوبه تیر به سوی آن بدن و تابوت هدف گیری شد. (خرائج راوندی، ج ۱، ص ۲۴۱ - ۲۴۲؛ اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۵۴ - ۵۵۸؛ تاریخ عمادزاده، ص ۵۵۰؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۴؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۰، ح ۱ - ۳.)